

# تکامل شعر در ادبیات عثمانی

## و تأثیر ادبیات ایران در آن \*



بقلم آقای پروفیسور دکتر عبدالقادر قره خان

استاد ادبیات ترکی در دانشگاه استانبول

حضار محترم ، بانوان و آقایان استادان محترم ، دانشجویان گرامی

باعرض تشکر از جناب آقای دکتر ذبیح الله صفا و حضار محترم ،  
در این موقع که رئیس جمهوری ترکیه به دیدار اعلیحضرت همایون  
شاهنشاه آریامهر در تهران تشریف دارند سخن خود را بسلامتی دو  
رئیس دولت دوست و برادر یعنی ملتین عزیز و نجیب ایران و ترک  
آغاز میکنم .

آقایان استحضار دارند فرهنگ کهن سال ایران و ترک با چنان رشتنه های  
فکری و فرهنگی بیکدیگر پیوسته است که در این محفل (که استادان  
و سروران گرامی حضور دارند) بحث کردن از روابط آن کاریست  
بیحاصل . شکی نیست به دنبال روابط اقتصادی و سیاسی و نظامی  
دولت هم پیمان ایران و ترک همبستگی فکری و فرهنگی از احتیاجات  
اساسی عصر ماست منتها از راه مبادلات فرهنگی و فکری دنیای امروز

\* - دشن سخنرانی است که آقای پروفیسور قره خان در تاریخ ۱۳ مه ۱۳۴۴ در دانشکده ادبیات  
و علوم انسانی تهران ایراد نموده اند و با توجه به کیفیت انشای استاد ، عیناً نقل شده است .

همدیگر را باید بهتر و از نزدیکتر بشناسیم. از این رو این جانب با سمت استاد کرسی ادبیات کلاسیک قدیم ترك - همان ادبیاتی که از نزدیک و خیلی نزدیک بادی فارسی آشناست و سالیان دراز تحت تأثیر آن زیسته است - میخواهم چند کلمه بعرض حضار محترم برسانم. برای اثبات عرض خود اشاره مختصری به تشریف فرمائی استاد محترم جناب آقای دکتر رضازاده شفق دانشمند فاضل - که در سال ۱۹۶۳ برای دادن کنفرانس از طرف سنتو به استانبول آمده بودند - میکنم. ایشان در دانشکده ادبیات استانبول سخنرانی بسیار مفید و مؤثری دادند، اینجانب که سمت استاد ادبیات ترکی باستانی را داشتم کلیه دانشجویان صنف خود و سایر صنوف را که . . . نفر بودند به کنفرانس آقای دکتر حاضر نمودم و از فرمایشات ایشان اینجانب و دانشجویان استانبول استناده تاریخی نمودیم. همچنین آقای سجتبی مینوی استاد دانشکده الهیات که در سالهای قبل برای مطالعه کتب خطی و کتابخانه های استانبول - ایاصوفیا - سلیمانیه - بایزید - کوپرولو - ملت - فاتح و غیره و همچنین جهت مطالعه امور فرهنگی در ترکیه مأموریتی داشتند، با تمام اهل علم و هنر ترکیه تماس نزدیک و با اغلب آنها آشنائی و دوستی پیدا کردند و این ارتباط هنوز برقرار است و دانشجویان و استادان ترك از ایشان استفاده های قابل توجه نموده اند. همچنین جناب استاد بدیع الزمان فروزانفر رئیس دانشکده الهیات و تعالیم اسلامی ایران که در سال ۱۹۵۸ در قونیه برای برگزاری جشنهای مولانا روسی شرکت نموده بودند و با اهل شعر و ادب و هنر کشور سن - ترکیه - تماس حاصل و سخنرانی خوبی در آن جشن ایراد فرمودند که مورد بسی سرور حاضرین گردید، لذا بر روی سرابطه هائیکه در بین ملت ایران و ترك و فرهنگ ایران باستان و تحولات جدید ایران نو وجود دارد اثر بسیار قابل توجه از خود گذاشته است.

حال که افتخار دیدن ایران عزیز و دیدار از سروران معظم استادان دانشگاه تهران مخصوصاً جناب آقای دکتر ذبیح الله صفا نصیبم گردیده است، بدین وسیله تشکرات خود را از همه آقایان عظام یادآور شده و انتظار دارم که در سال آینده آقایان استادان محترم دانشکده های

ایران نیز بترکیه تشریف آورده و بمنظور بسط و توسعه روابط فرهنگی دو ملت برادر و دوست هم کیش کمک فرمایند و طبعاً این جانب و سایر اهل علم ترکیه از این مسافرتها استفاده معنوی نموده و ممنون و متشکر خواهیم بود. در اینجا لازم میدانم که از آقای اسدالله فیض‌اللهی که وزارت خارجه ایران ایشان را برای راهنمایی و کمک کارهای مدت اقامت این جانب در ایران معین فرموده‌اند تشکرات خود را ابراز دارم و از وزارت خارجه ایران متشکرم که ایشان را بکمک من گمارده‌اند.

\*\*\*

پس از آنکه شبه جزیره آنها دولو تحت اداره ترکان اوغوز درآمد، بعد از تشکیل دولت سلجوقی آنها دولو همانند سایر اقوام ترك در ترکیه نیز آثار ادبی بوجود آورده‌است. ولی در مستندات و آثار معدودی که در دست داریم برای تجسم تصویر ادبی آن دوره چیز قابل ملاحظه‌ای نیست، تا آنجا که میدانیم آثاری که بزبان ترکی در آنها دولو نوشته شده‌است همانا از قرن سیزده میلادی و بعد برشته تحریر درآمده‌است. در این عصر مردم و مؤسسات برای تقویت و انتشار تصوف در آنادولو بسیار کوشیده‌اند و گاه گاهی ظهور بحرانهای مختلف نیز به پرورش چنین جریانی مساعدت کرده، در نتیجه قرن سیزدهم از اولین آثار برجسته در ادبیات ترك خالی از تسلط آنها دولو، تصوف مشاهده میشود. اساساً تأثیر نفوذ ادبیات فارسی در لهجه‌های جغتای و آذری و غیره مثل تأثیر آن در زبان عثمانی بوضوح بچشم میخورد. از یکطرف در سایه نفوذ کلام و تبلیغات شعرای متصوف ایران و از طرف دیگر در اثر ارشاد روشهای پیشرو مکتب احمد یسوی که از آسیای میانه آمده بود، ادبیات صوفیانه در آنها دولو در درجه اول قرار گرفته بود که البته یک جبر تاریخی بوده‌است. متصوفان آنها دولو از آنجا که به جمع آوری طبقات عامه مردم در اطراف خود علاقه مند بودند، نوشته‌های خود را بزبان ترکی - که زبان مردم است - نوشته‌اند به همین جهت بی مورد نیست که اولین آثار مربوط بموضوع تعلیمات دینی بوده‌است. بیشتر آثار معدودی که از شعرای قرن سیزده میلادی بدست

ما رسیده است بطرز مثنوی سروده شده است. این طرز از نظر قافیه بعلمت اینکه هر بیت قافیه مستقلی دارد آسان گفته میشود و برای بیان تعلیمات دینی، حکایات و مناقب، امکان زیادی میدهد. از طرف دیگر در ادبیات ایران قسمت مهمی از آثاری که در تحت تأثیر تعلیمات اسلامی بوجود آمده بطرز مثنوی سروده شده و ترکهای آنها دولو بشدت تحت تأثیر این ادبیات قرار گرفته اند و علت این است که مثنوی در ادبیات ترك قسمت آنها دولو برای پیدایش مهمترین آثار ادبی راه باز کرده است. یک علت دیگر مثنوی معنوی مولانا جلال الدین رومی است که در قونیه به نظم در آمده و مهمترین اثر ادبی و دینی که بطرز صوفیانه میباشد بوده و علاقه مندی ترکهای آنادولو به این شخص باعث شده است که راه او را طی کنند.

گرچه مولانا مستقلاً اشعاری بزبان ترکی ندارد ولی در اشعارش مصراعها و ترکیبات ترکی موجود است. مثنوی های مشهور فرزندش سلطان ولد نظیر ابتدا نامه، انتها نامه، و ربانامه، که بزبان فارسی سروده شده اند ابیات ترکی هم دارند: در ابتدا نامه ۷۶ بیت و در ربانامه ۱۶۴ بیت ترکی میبینیم. گرچه آثار مولانا و پسرش سلطان ولد بزبان فارسی است که در دوره خود ایشان در قونیه و اطراف مخاطبهای ایشان بطور عموم ترکها بوده اند، بدین سبب ترکهای سلجوقی و روشنفکر بزبان خارجی علاقه زیادی نشان داده اند. در میان اولین مؤسسان بزرگ ادبیات مثنوی آنها دولو، بالاتر دانستن سلطان ولد از سایرین بسیار بجا خواهد بود. در آثار او نیز نفوذ و تأثیر بزرگ پدرش مولانا جلال الدین (۱۲۷۳-۱۲۰۷ م.) دیده میشود، بعلاوه با مشاهده نتایج و تأثیر اندیشه و جهان بینی این شخص روی فعالیت های فکری هم دوره هایش، مولانا را بعنوان مرشد و رهبر ادبیات آنها دولو میتوان پذیرفت.

در ادبیات ترکی آنانکه بتحکیم وزن عروضی و شکل مثنوی برای موضوعات اخلاقی و صوفیانه بعد از سلطان ولد کوشش کرده اند دانشمندانی نظیر شیخ حمزه ویونس آمره هستند. مثنوی یوسف و زلیخای شیخ حمزه در نوع خود برای شعرای افسانه سرای

دینی و مثنویسرایان عثمانی تا درجه‌ای معین از منابع آثار ادبیات در موضوع مانحن فیه بشمار می‌آید. این مثنوی که داستان یوسف نامیده شده است کوتاهتر از اثر یوسف و زلیخای منسوب به فردوسی بوده، اما دارای خصوصیتی است که میرساند از آن الهام گرفته است. این اثر بسال ۱۹۴۶ بوسیله دهری دلچین در آنقره از طرف انجمن زبان ترکی (تُورک دِیل قُورومی) بطبع رسیده است. مثنوی رساله النصیحة. یونس امره نیز که از مؤسسان اولیه و ممتاز شعر تصوفی «لیریک» (حسی) است نیز در میان قدیمترین مثنویهای ادبیات ترک آنها دولو مقام شامخی دارد. با اینکه یک مثنوی کوچک ۵۶۳ بیتی است بین هم نوعان خود جای مخصوصی را اشغال میکند. بعد از سر آغاز یک بخش مثنو اصل کتاب شروع میشود.

این اثر که قسمتهای نظیر داستان روح و نفس، داستان قناعت، داستان غضب، احوالات صبر، کیفیات حسادت را شاملست و با اینکه خصوصیات آموزشی دارد، قسمتهای کارا کتری (حسی اش) هم جلب توجه میکند. یونس امره که در اشعار دیگر خود بصورت یک دانشمند راهنما و اندرزگو جلوه میکند در اینجا نیز بار دیگر با همان اوصاف بچشم بر میخورد.

قرن چهارده دوره تحکیم اصول و انکشاف مضمونهای ادبیات کلاسیک ترکهای ترکیه است. در آنها دولو، خواه در عثمانی و خواه در جاهای ملوک الطوائفی مانند طوائف گرمیان، استغندیار قِرسی، آیدین، اورتانا اوغولتری، یک محیط ادبیات اسلامی بوجود آمده بود که با خصوصیات کلاسیک و با رقابت رو بتکامل میرفته است.

در بُورسا - قونیه - کوتاهیه - بالیکر - آیدین - قیصری و جاهای دیگر مانند زنیق - قیر شهر - سینوب - منگده و سیواس منظومه‌های دیگری که بشکل مثنوی گفته شده موجود است. بطور کلی عموم افکار قهرمانی و دینی که در این عصر روشهای آموزنده و تصوفی را شامل میشود، میتوان گفت که بصورت حکایات درآمده و بشکل مثنوی بوده است مخصوصاً در درجه اول آوردن سیر پیغمبران و مناقب حضرت علی

وحضرت حسین علیهم السلام وحضرت حمزه نیز در این آثار مخاطب قرار گرفته ؛ طبقه متوسط و بیشتر در حجره ها و ضیافت های بزرگ و مجامع مردم ، خواندن این اشعار مشاهده میشود . از آن زمانها باین طرف آثاری که در آنها دولو نوشته شده ، بطور تعمیم ، گفتن اینکه محصولات ادبیات عثمانیست درست است زیرا از اوایل قرن پانزده به بعد ثمرهای خصوصیات زبان کتابت دولت عثمانی که بمنظور تأمین اتحاد آنها دولو فعالیت بزرگی میکرده اند مشهود میباشد که در نتیجه موفق شده و بعد از آن همین آثار بنام لهجه های نظم و نثر عثمانی در آمده است .

اصول وجه مشترك تمام شعرای این عصر اولاً در یگانگی تکنیک است : همه شان وزن عروضی بکار برده و تمامشان اشکال نظم ادبیات ایران را پسندیده اند .  
گویندگان مشهور ادبیات فارسی نظیر فردوسی (متوفی ۱۰۲۰م) حکیم سنائی (متوفی ۱۱۵۰م) شیخ عطار (؟ ۱۱۹۲ - ۱۱۱۹) نظامی گنجوی (؟ ۱۲۰۶؟ ۱۱۲۸) مولانا (متوفی ۱۲۷۳) وسعدی (متوفی ؟ ۱۲۹۴) در این زمان تأثیر بزرگی روی گویندگان ترك گذاشته اند و در آن عصر آثار بسیاری از اینها ترجمه شده است ؛ ولی این تأثیر را بمعنای تقلید نباید گرفت . گرچه کلمه ها و ترکیبات فارسی و عربی اندکی بر زبان کتابت ترکی غلبه کرده ، مضامین و مفهومیهای ادبیات فارسی باآسانی در ادبیات ترکی داخل شده و در خصوص تکنیک شعر نظیر عروض و قافیه از شعر ایران متأثر شده و آنرا مأخذ گرفته ، اما علی رغم تمام اینها ، روح ادبیات مخصوصاً مثنویها بسببک و روش ترك باقی مانده است همچنانها و خصوصیات بهمان نسبت که این ادبیات امکان داده خصوصیت ملی را از دست نداده است .

در قرن چهارده در میان شعرای ترك که در ساحه مثنوی آثاری بوجود آورده اند - البته شبه جزیره آنها دولو را قصد میکنم - میتوان گویندگان معروفی نظیر : گلشهری ، عاشق پاشا ، خواجه مسعود ، شیخ اوغلی ، احمدی پیر محمود . کمال اوغلی واحد داعی را یاد کرد و نمایانندن ماهیت آثار درخشان ایشان ولو خیلی خلاصه باشد خالی از فائده نخواهد بود .

در آغاز ادوار ادبیات عثمانی، تکامل ادبیات ترك در ساحهٔ مثنوی تا چه اندازه تحت تأثیر ادبیات ایران مانده؟ گمان میکنم بهتر و آسانتر احساس خواهد شد. در اوایل قرن چهارده گلشهری (متوفی بعد از ۱۳۱۷ م) بوجود آورندهٔ مثنویهای گوناگون مخصوصاً بامنطق الطیرش شناخته میشود. مشارالیه در علوم مختلف اطلاعات وسیعی داشته و حتی در منطق الطیرش کتاب مشهور فقه قدوری را بشکل منظوم بزبان ترکی ترجمه کرده است. او که بشعراي مثنوی سرای پیش از خود تفوق دارد در «منطق الطیر» که بهمین اسم است بحد وسیعی استفاده کرده است. میتوان گفت «منطق الطیرش» عطار را بابعضی تغییرات بشکل منظوم ترجمه کرده است. گلشهری بعضی از حکایات عطار را در کتاب خود نیاورده در عوض از اثر دیگر او «اسرارنامه» استفاده برده است. گذشته از اینها از مثنوی مولانا جلال الدین و «قابوسنامهٔ کیکاوس» و آثار دیگر حکایات اقتباس شده و بطور پسندیده تحقیقاتی هم بعمل آورده است.

گلشهری که منسوب به تشکیلات اخوت (در ترکی اِخْلِیکْ) است مثنوی کوچک ۱۶۷ بیتی دیگری بنام «کرامات آخی آورده است» جلب توجه میکند منطق الطیر از طرف انجمن زبان ترك بشکل منطق قوی (اوست) در سال هزار و نهصد و پنجاه و هفت میلادی چاپ شده است. کرامات آخی آورده نیز با ترجمهٔ آلمانی اش از طرف یروف تشنه انتشار یافته است.

عاشق پاشا (۱۲۲۲ - ۱۲۷۲) نیز در ادبیات مثنوی در نیمهٔ اول قرن چهارده شاعری متصوّف و دارای شخصیت بااهمیت است پدرش مخلص پاشا وجدش بابا الیاس نیز صوفی بوده اند. در قسمت مثنوی مشهورترین اثر عاشق پاشا که زبانهای بزرگ شرقی اسلامی عربی و فارسی را بخوبی میدانست عبارت از «غریبنامه» است. این اثر که از ۱۲۰۰ بیت تشکیل یافته بده باب قسمت شده و هر باب ده داستان دارد. داستانها حاوی حکایات مناسب و درخور موضوعات است. آغاز و انجام داستانها پراز پند و اندرز است. غریبنامه در حالی که از اساس شرعیات یک انسان متدین و متفکر جدا



نمیشود یکی از فوایدش نقل تصوف و اخلاق قوی بمردم است و همچنین بعد از خود یکی از فوایدش نقل تصوف و اخلاق قوی بمردم است و همچنین بعد از خود یکی از منابع آموزنده دین و اخلاقی بشمار آمده است. دائرةالمعارف از نظریه غربینامه یک کاراکاتور تصوفی را عرضه میکند. در آغازش همچون مثنویهای کلاسیک ایران مخصوصاً در آثار این قبیل محصولات ادبیات بخشهای توحید، لغت معراجیه و غیره بچشم میخورد. اگر این خصوصیات در ادبیات باستانی ترك اولین نباشد میتوان گفت که جزء آثار اولیه است که باین خصوصیت در زبان ترك نوشته شده است.

دلایلی وجود دارد که نشان میدهد غربینامه از مثنوی مولانا متأثر شده است. غربینامه عاشق پاشا که مثنویهای دیگری نظیر فقرنامه و وصف حال دارد از مثنویهای است که تأثیر و نفوذش در اعصار بعد نیز دوام داشته است. و اثریست که در مورد تأثیر ادبیات ایران در ادبیات ترك میتواند بعنوان نمونه در دست گرفت.

و نیز در این عصر در ترکیه از اشخاصی که اثری در ادبیات و مثنوی بوجود آورده اند خواجه مسعود (متوفی در نیمه دوم قرن پانزده) را بطور جداگانه باید یاد کرد احمد اوغلی خواجه مسعود با ترجمه دو مثنوی که «سپیل و نوبهار» و «فرهنگنامه سعیدی» نامیده است در ادبیات مثنوی آنادولو مقام ادبی بزرگی دارد. سپیل و نوبهار در سال ۱۳۵۰ و فرهنگنامه هم در سال ۱۳۵۴ میلادی بترکی ترجمه شده اند. فرهنگنامه ترجمه اشعاریست که از بوستان شیخ سعیدی انتخاب شده اند. از نظر هنر سپیل و نوبهار قدرت ادبی بیشتری دارد. تا آنجا که میدانیم اولین ترجمه که از آثار سعیدی در ادبیات ترك بعمل آمده همین فرهنگنامه سعیدیست. زبان و صنعتی که خواجه مسعود بکار برده از زبان و صنعت گلشهری و عاشق پاشا بسیار فرقی ندارد. نهایت باید گفت تا اندازه ای از آنها پیچیده تر است ولی میتوان گفت که باصل مثنوی فارسی صادق مانده است. البته قابل دقت است که وزن و نقاب سعیدی را بکار برده و گمان میرود که این وزن در یک اثر بزرگ مثنوی در ادبیات ترك آنها دولو برای اول بار در فرهنگنامه بکار رفته است. (فرهنگنامه بسال ۱۹۲۴ در استانبول بطبع رسیده است)



شیخ اوغلی که بنام مصطفی شیخ اوغلی (تولد ۱۳۴۰، متوفای؟) معروفست بامثنوی خورشید نامه (خورشید و فرخشاد) یک اثر ارزنده در تاریخ ادبیات نوشته است این اثر که داستان یک عشق را مجسم میسازد در نوع خود در ادبیات قدیم ترک از اولین مأخذ بحساب آورده شده است. خورشید نامه در سال ۱۳۸۷ میلادی سروده شده است. شاعر این اثر خود را برای تقدیم بسلیمان که از گرمیانست شروع کرده ولی بعلت فوت او خواسته آنرا بنام ییلدرم بایزید (۱۴۰۲-۱۳۶۰) تمام کرده و تقدیم کند.

شیخ اوغلی که از گویندگان بسیار شیوای ترکیست عشق خورشید دختر سیاوش پادشاه ایران و فرخشاد پسر پادشاه مغرب زمین را که در جم آباد روی داده حکایت میکند. در این اثر شیخ اوغلی که اشعار زیبایی از زبان قهرمانانش میسراید موضوع را از ادبیات ایران گرفته منتها روح و ذوق از آن ترکیست این شاعر که ترکی را در عصر خود با چیره دستی بکار برده این اثر او را که از حیث حجم هم بزرگست باید آنرا تکامل ادبیات مثنوی عثمانی مرحله جدیدی تلقی نمود.

در میان مثنویسرایان قرن چهارده مشهورتر و پر قدرت تر از همه احمدی (متوفا ۱۴۱۳) است. شهرت مثنویهای نظیر جمشید و خورشید و اسکندرنامه او دوره های درازی دوام داشته است. مخصوصاً اسکندرنامه در نوع خود خیلی با اهمیت تلقی شده است. چنانکه معلوم است حکایات اسکندرنامه از فردوسی شروع شده و در ادبیات ایران بسیار بکار رفته گمان میکنم در این سخن همه متفق باشند که نظامی (متوفی؟ ۱۲۰۶) بهتر از همه بکار برده احمدی با اینکه در این مثنوی ترکی از نظامی بیشتر متأثر شده شخصیت ادبی خود را نیز مجسم ساخته است. اساساً در ادبیات عثمانی روی این موضوع برای اولین بار او کار کرده است. این شاعر در موضوع الهام بطور وسیعی بنظامی مدیون است کاملاً بمأخذ خود تقید را لازم ندیده بلکه خواسته بامثنوی خود رنگ فرهنگ و دانش اسلامی بدهد از علوم عصر خود اطلاعاتی داده و تلقینات اخلاقی و حیاتی کرده است. مثنوی بختیارنامه پیر محمود هم که در این عصر میزیسته در نوع خود از آثار ارزنده است. از نظر موضوع

با ماجرای عشقی بین حاکی بنام آزاد بخت در سرزمین ایران و دختر یکی از فرماندهان نیرومندش شروع میشود حکایات دیگری در توی حکایت اصلی دارد. این اثر هم دارای مناهیم تصوفی نیست و هم خارج از چهارچوبه الهامات دینیست حکایاتی دارد که سراسر مایه عبرت است. و در موارد لزوم بتلقینات اخلاقی هم اهمیت داده شده است. بتکنیک سلسله حکایات «کلبله و دمنه» و «هزار و یک شب» ارتباط دارد. در این مثنوی هم تأثیر شعر کلاسیک ایران باستانی بچشم میخورد منتها در بیان تقلید احساس نمیشود. در قرن چهارده در ادبیات مثنوی کمال اوغلی مقامی دارد مثنوی «فرخنامه» این گوینده شایان دقت است.

بعداز «مناجات و گفت «مدایح» کمال اوغلی در قسمت سبب تألیف کتاب بر احوال خود و چگونگی اثرش اندکی معلومات میدهد. بفرح انگیز بودن کتابش که اوصاف یک عبرتنامه را در بر دارد اشاره میکند و میگوید که از هیچ کس چیزی سرقت نکرده ولی از بیان اینکه اثرش را از سه زبان (عربی، فارسی، و ترکی) استخراج کرده خودداری نمیکند. نباید فراموش کرد که موضوعات عموماً در ادبیات شرقی اسلامی مشترکست. در اول از قرآن کریم و کتب دینی و از حکایاتی که در مورد فتوحات امویها نوشته شده و از کتابهای داستانی دیگر استفاده شده است.

در خاتمه در شعر قرن چهارده عثمانی اندکی هم درباره احمد داعی بعنوان یک گوینده بزرگ در نوع مثنوی بحث میکنم این شاعر که در نیمه دوم این قرن بظهور رسیده جنگ نامهاش اثری بسیار ابتکاریست موضوع عبارت از مجلسی است که پراز انسانهای خوش گفتار است و در آن مجلس سازی هست در مجلس هرکسی در حالیکه شعر میخواند شراب مینوشد شاعر از ساز سؤال میکند آن هم در حالیکه پاسخ میدهد قدرت بانند خود را ترنم میکند. در این میان حکایت ایوب پیغمبر را هم بیان مینماید. شاعر از قسمتهای چوب، چرم و موی اسب بطور جداگانه سؤالات میکند و پاسخهای ظریف میگیرد. هر قسمت از جای دور آمده است و چوبه تلخی غربت کشیده و بفریاد و فغان در آمده

در این اثر علائمی دائر بتأثیر از نظامی و مولانا و سعدی وجود دارد احمد داعی مثنویهای دیگری هم دارد میتوان گفت گوینده‌های است هنرمند که قرن ۱۴ و ۱۵ را بهم مربوط میکنند و در طریقه تکامل مثنویسرای عثمانی بکسانی که بعد از او آمده‌اند تأثیر کرده‌است تکامل مثنوی در شعر عثمانی و تأثیر ادبیات ایران در فاصله قرن ۱۵ تا ۱۹ موضوعیست بطور وسیع باید مورد بحث قرار گیرد . بنابراین امکان ندارد این موضوع مهم و وسیع را بطور دقیق در یک سخنرانی گنجانید اما اگر خدای بزرگ یاری کند در فکر تهیه اثری مستقل در این خصوص هستم که برای برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران هدیه‌ای باشد . از خداوند متعال توفیق خدمت بیشتری را آرزو دارم .

